

ظهور منجی، حقیقتی در پس یک داستان

داستان «رساله الطیر» در زمره داستان‌های رمزی ابن‌سینا محسوب می‌شود. هنگامی که ابن‌سینا در قلعه فردجان همدان در اسارت بود، آن را به رشته تحریر در آورد...



داستان «رساله الطیر» در زمره داستان‌های رمزی ابن‌سینا محسوب می‌شود. هنگامی که ابن‌سینا در قلعه فردجان همدان در اسارت بود، آن را به رشته تحریر در آورد (کربن، 1384، 338) و بعدها سهروردی آن را ترجمه کرد و شهرزوری، شاگرد او، آن را در فهرست کتب سهروردی گنجانده و آن را با این مدخل آغاز کرد: «ترجمه لسان‌الحق و هو رساله الطیر از تالیف امام العالم علامه الزمان، سلطان العلماء و حکماء شیخ شهاب‌الدین السهمی، رحمه الله علیه».

این رساله داستان سفر روح است که اسیر تخته بند تن است و در پی آن است که از جسم رها شود و به حالت مجرد صرف دست یابد. این روح پیش از این بودن در عالم ماوراء را تجربه کرده و مایل است هر از گاهی به همان مکان بازگردد. از این روست که در داستان آمده حضرت حق رسولی را با او می‌فرستد تا راه رهایی را به او بنمایاند.

داستان رساله الطیر با مطلع گرفتاری پرنده‌ها در دام آغاز می‌گردد و این موضوعی است که نه تنها سهروردی که نویسنده‌ها و شعرای زیادی به آن پرداخته‌اند. «منطق الطیر» عطار، «حدیقه الحقیقه» سنایی و حتی کمدی الهی دانته همگی داستان سفرهای روحانی هستند. کل این داستان‌ها حول محور نجات انسان از چنگال امور دنیوی و رهایی به سوی روحانیت می‌گردند. این داستان به زبان رمزی شرح حال تعدادی پرنده را بیان می‌کند که در دام صیادان گرفتار شده‌اند و قادر نیستند خود را از بندها رها سازند. راوی که خود نیز یکی از پرندگان است، شاهد آن است که برخی همنوعانش توانسته‌اند از قید دام‌ها رها شوند؛ در حالی که هنوز بندی بر پایشان است. او از دوستانش کمک می‌خواهد تا او را نیز برهانند. دوستان به او کمک می‌کنند و با بندی که همچنان بر پای آنهاست سفری را آغاز می‌کنند و به حضور حضرت ملک مشرف می‌شوند تا از قید آن بند نیز رها شوند.

آنها هفت کوه را پشت سر می‌گذارند؛ هفت کوهی که در هر کدام از آنها بوهای خوش و نواهای گوشنواز جان و روح آنها را می‌نوازد، اما آنها بی توجه به آنچه می‌بینند و می‌شنوند، به سفر خود ادامه می‌دهند تا به حضور حضرت ملک برسند و شرح موقوف خویش گویند. در دیدار با حضرت ملک از او می‌خواهند آنها را از آن بند رها کند ولی حضرت ملک به آنها می‌فرماید هنوز زمان رهایی کامل از بند نرسیده ولی رسولی می‌فرستد تا به آنها کمک کند.

رساله الطیر قصه کسانی است که سعی دارند خود را از دام سرنوشت رها کنند و قدم به دروازه روحانیت گذارند. اشاره به سرنوشت محتوم با ذکر نام صیادان و گستردن دام‌ها و بی تقصیر بودن پرندگان در افتادن در دام در داستان ذکر شده است. پرندگان با آن که در دام افتاده‌اند، سعی دارند خود را رها سازند و شکایت پیش کسی برند که به آنها کمک کند تا دیگر در دام گرفتار نشوند. پرندگان به دنبال رهایی هستند. از این رو راهی صعب‌العبور را آغاز می‌کنند که هر کسی را پروای گذر از آن نیست.

آنها باید از هفت وادی گذر کنند؛ هفت وادی یا هفت عالمی که هر کدام آنها را به ماندن در آنجا و فراموش کردن ادامه سفر فرا می‌خوانند. آنچنان که راوی داستان می‌گوید در آنجا «بوستان‌های آراسته دیدیم و بناهای نیکو و کوشک‌های خوش و درختان میوه‌دار و آب‌های روان چنان که نعیم او دیده می‌بست و زیبایی او عقل از تن جدا می‌کرد و الحان مرغان که مثل آن نشنیده بودیم و بوهایی که هرگز به مشام ما نرسیده بود.» پرندگان به هیچ کدام از آنها توجهی ندارند تا بلکه خود را به دیدار حضرت حق برسانند. از این روست که در رساله الطیر راوی با رسول ملک باز می‌گردد تا بلکه از بقایای بند خلاص شود. «و اکنون در راهیم با رسول ملک می‌آییم.» (سهروردی، 1383:202)

داستان رساله الطیر با نیاز آدمی به رهایی آغاز می‌شود و با کمکی که از جانب خداوند به انسان می‌رسد، پایان می‌یابد. رسول ملک در دوران مختلف به شکل انبیای مختلف یا استادان روحانی جلوه کرده است، اما امروز همچنان که خداوند فرموده هیچ گاه زمین از حجت حق خالی نمی‌ماند، راوی رساله الطیر رساننده این مژده به آدمی است که حجت حق در راه است تا ضعیفان را یاری رساند و ستم‌دیدگان را تسلا دهد.

زندگی انسان‌ها روی زمین، از زمانی که به دنیا می‌آیند تا زمانی که از دنیا می‌روند، دوره پیچیده‌ای از اتفاقاتی است که آنها را برای رسیدن به معنا و هدف زندگی آماده می‌سازد.

این دوره زندگی شامل رخدادهایی است که خانواده و جامعه تأثیر زیادی بر آن دارند، اما در این میان این سرنوشت است که تعیین می‌کند آدمی در چه خانواده و چه اجتماعی به دنیا بیاید. در عین حال خداوند به انسان نیروی عقل افاضه کرده که به وسیله آن می‌تواند راه صحیح زندگی را بیابد. آدمی در این مسیر علاوه بر عقل و نیروی تفکر به کمک کسانی نیازمند است که راه درست را به او بنمایانند. از این رو، زندگی آدمی محصور جبر مطلق نیست و انسان حق انتخاب دارد؛ چرا که خداوند همواره و در همه دوران رسولانی را برای هدایت انسان‌ها فرستاده است. از این رو مثل انسان‌هایی که به وسیله عقل خود و راهنمایی فرستادگان در پی تغییر وضع خود هستند و می‌دانند در پس این دنیا جهان دیگری هست، با مثل مردی که از شتر مست گریخت و خود را در چاهی انداخت، متفاوت است. آن مرد، دو شاخه را که در چاه آویزان بودند، گرفت و پای خود را بر جایی

قرار داد. خوب که نگریست، دید پای خود را بر سر چهار مار که از سوراخ بیرون آمده بودند، گذاشته است. به ته چاه نگاه کرد، ازدهایی با دهان باز دید که منتظر افتادن او به قعر چاه است و وقتی بن چاه را دید، از دیدن دو موشی که بسرعت در حال جویدن شاخه هایی بودند که او خود را با آنها نگه داشته بود، وحشت کرد. او در پی یافتن راه رهایی پیش روی خود کندوی عسلی دید. با دیدن عسل تمامی محنت های خود را فراموش کرد و مشغول خوردن عسل شد و البته دیری نگذشت که در دهان ازدها افتاد. (پور نامداریان، 1383، 150)

راوی رساله الطیر همانند پرندگان دیگر با بندهایی که بر پایش بود، خو نگرفت. «یک چند همچنان بودیم تا بر آن خو کردیم و قاعده اول خویش را فراموش کردیم و با این بندها بیارامیدیم و با تنگی قفس تن در دادیم» و با آگاهی از مسیر پیش روی خود خیر را برای خود برگزید. او نه تنها توانست زندگی خود را نجات دهد که توانست به دیگران نیز کمک کند. او انسان کامل یا برگزیده ای است که از سوی خداوند انتخاب شده تا راه درست را به دیگران بنمایاند. پس ابن سینا با اعتقاد به عالم غیب و با روشی تمثیلی وجود چنین شخصی را متذکر شده تا بلکه داستان او تسلا دهنده روح آدمی باشد.

منابع:

رمز و داستان های رمزی، تقی پور نامداریان، چاپ پنجم، انتشارات علمی و فرهنگی 1383

ابن سینا و تمثیل عرفانی، هانری کربن، ان شاء الله رحمتی، انتشارات جامی 1387

مجموعه مصنفات شیخ اشراق، شهاب بن الدین یحیی سهروردی، جلد سوم، تصحیح، تحشیه و مقدمه سیدحسن نصر، چاپ سوم، انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی 1380

هما شهرام بخت / جام جم